



# تجلی محبت به امام زمان<sup>4</sup> در اطاعت از ولیّ فقیه است

سیدمسعود پورسیدآقایی

ویراسته سخنان حجة الاسلام و المسلمین سید مسعود پورسید آقایی، مسئول مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) و دبیر همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت، در روز جمعه شانزدهم مرداد ماه ۱۳۸۸، برابر با نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۰ قمری که پیش از خطبه‌های سیاسی - عبادی نماز جمعه تهران ایراد شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ  
وَعَلَى آلِهِ لَا سِبْأَ بَقِيَّةِ اللَّهِ.

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحَبَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ  
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَ  
دَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَتَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

فرا رسیدن یوم الله نیمه شعبان و سالروز میلاد خاتم الاوصیاء، حضرت بقیة الله الاعظم ارواح العالمین له الفدا را که سرآغاز نجات مستضعفان جهان و پیام‌آور بشارت پیروزی نور بر ظلمت و قسط و عدالت بر جور و ستم است، به همه انسان‌های آزاده و منتظران موعود امم در جای‌جای این کره خاکی و به همه مسلمانان به ویژه شیعیان و مهدی‌باوران و همه اهالی این سرزمین ولایت‌مدار و شیعه‌خانه امام زمان 4 و محضر شما نمازگزاران و عاشقان مهدی فاطمه 3، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

موضوع سخن من به مناسبت حماسه شکوهمند ۲۲ خرداد و پشت سر گذاشتن انتخابات و مراسم تنفیذ و تحلیف رئیس‌جمهور محترم و پیش‌رو داشتن تشکیل دولت و معرفی وزیر، [یک] زمینه‌سازی ظهور و ضرورت آن به عنوان رسالت بزرگ منتظران و [دو] وظائف و راهبردهای دولت زمینه‌ساز و [سه] برخی شاخص‌ها و ویژگی‌های کارگزاران آن است. امیدوارم بتوانم در این فرصت محدود، به برکت این روز عظیم در مورد هریک از این سه موضوع به اختصار مطالب مفید و مورد رضایت آن حضرت، به محضرتان تقدیم کنم.

آیات و روایات فراوانی در مورد رسالت منتظران و وظیفه آنان

نسبت به زمینه‌سازی ظهور وجود دارد. در واقع، ما مکلف به زمینه‌سازی جهت ظهور حضرت صاحب الامر 4 هستیم. علاوه بر آیات و برخی از روایات خاص که کلمه زمینه‌سازی در آن به کار رفته، مثل «یوطئون للمهدی سلطان» که به آن اشاره می‌شود، یکی از مهم‌ترین دلایل، مفهوم انتظار و روایاتی است که در اهمیت و آثار انتظار وارد شده است. پیش از طرح روایات، شایسته است به بیان برخی از آیاتی بپردازیم که به صراحت از نقش و اراده انسان‌ها در سرنوشت خود و تحول جوامع گفت‌وگو می‌کند:

خداوند در قرآن می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)<sup>۱</sup>  
خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان در خود تحولی ایجاد کنند.

تحول جوامع جز با اراده و خواست خود انسان‌ها ممکن نیست و راه تغییر جامعه از مسیر اراده و خواست افراد جامعه و تحول باطنی و درونی آنها امکان‌پذیر است. در قرآن بارها به این اصل و حقیقت اشاره شده است:

(لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ  
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ)<sup>۲</sup>.

(إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ)<sup>۳</sup>.

(وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ  
الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ...)<sup>۴</sup>.

در روایتی دیگر، ابوبصیر از حضرت صادق 7 چنین نقل می‌کند:

لِیَعِدَنَّ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا...<sup>۸</sup>؛  
هرکدام از شما باید آماده کند برای قیام قائم ولو یک تیر را.

کسی که بخواهد حقیقتاً منتظر وجود مبارک آن حضرت باشد، لازم است خود را مهیا سازد، اگرچه با آماده کردن یک تیر باشد. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی؛ نیز در این باب، فرمایش‌های گران‌سنگی دارند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و زمینه‌های ظهور فراهم شود.<sup>۹</sup>

علاوه بر روایات باب انتظار، چه آنهایی که حقیقت انتظار را بیان می‌کند و چه آنهایی که پاداش عظیم و فراوان آن را یادآور می‌شود، روایاتی داریم که کلمه زمینه‌سازی در آنها به صراحت به کار رفته است. مثل این روایت نبوی «يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»<sup>۱۰</sup> یعنی جماعتی از مشرق زمین - که به چندین دلیل، ایران اسلامی است -<sup>۱۱</sup> به‌پای می‌خیزند و برای ظهور امام زمان و حاکمیت او زمینه‌سازی می‌کنند. «ووطأ»؛ یعنی کاملاً راه را هموار کردن. در روایت نفرموده است «ییمهدون للمهدی»، بلکه می‌گوید: «یوطنون»؛ یعنی راه را خوب هموار کردن، جاده

در روایات متعددی نیز به ضرورت زمینه‌سازی اشاره شده که مهم‌ترین آنها روایات انتظار است. انتظار به معنای آمادگی و زمینه‌سازی است. انتظار، عمل است و بهترین عمل‌ها «أفضل أعمال امتی انتظار الفرج من الله عزّ و جلّ»<sup>۵</sup>. حضرت امام موسی کاظم 7 در روایتی می‌فرماید:

من ارتبط دابة متوقعا به أمرنا يغیظ به عدونا و هو منسوب إلینا أدر الله رزقه و شرح صدره و بلغه أمله و كان عوناً علی حوائجه؛<sup>۶</sup>

هرکس چهارپایی (اسب و استری) را در انتظار امر (ولایت) ما مهیا کند، تا دشمن ما را به خشم درآورد و در همان حال منسوب به ما باشد، خداوند روزی‌اش را وسیع گرداند، شرح صدر به وی عنایت فرماید، او را به آرزویش برساند و در رفع حوائج و نیازهایش یاور باشد.

حضرت امام جعفر صادق 7 می‌فرماید:

المنتظر لأمرنا کاملت شحط بدمه فی سبیل الله؛<sup>۷</sup>  
کسی که در انتظار دولت ما باشد، هم‌چون کسی است که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور باشد.

این پاداش عظیم به دلیل آن است که انتظار نه فقط یک حالت، بلکه اقدام و انجام وظیفه یک شیعه در فراهم ساختن زمینه‌های ظهور امام 4 است.

را کاملاً آماده و صاف کردن و بر شرایط و اوضاع اشراف داشتن و مسلط بودن.<sup>۱۲</sup>

ما معتقدیم که برای رسیدن به ظهور باید حرکت کنیم. ظهور مثل قلّه‌ای است که باید حرکت کنیم و به آن برسیم. این قلّه و این هدف، رفتنی است و نه آمدنی. هم‌چنان که اشاره شد، خداوند در قرآن می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ). از این رو، ما معتقدیم ظهور، تحصیلی است، نه حصولی. باید حرکت کرد و رفت تا به آن رسید. باید زمینه‌های آن را ایجاد کرد. البته این [سخن] به آن معنا نیست که اگر ما به وظیفه خودمان عمل نکردیم، امام ظهور نمی‌کند؛ چون ظلم مملو، خودش می‌تواند زمینه‌ساز ظهور نور باشد. حجم عظیم بی‌عدالتی‌ها و مصایب و مشکلات، جامعه بشری را به این اضطرار می‌رساند که زمین، نیازمند آسمان است و بشر، نیازمند هادی و امام است. اگر ما فعالیت نکنیم، خود این مشکلات و مسائل، زمینه‌ساز ظهور خواهد بود. با این حال، چیزی که در ابتدا از ما خواسته‌اند و تکلیف و وظیفه ماست، زمینه‌سازی برای ظهور است. خداوند می‌فرماید:

(قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)<sup>۱۳</sup>

[ای پیامبر] بگو که حق آمد و باطل رفت؛ چرا که بی‌تردید باطل رفتنی بود.

باطل، رفتنی است. آن‌چه رسالت ماست، آوردن حق است. ما هستیم که باید زمینه‌های ظهور را فراهم کنیم. ظهور، مشکل فاعلی ندارد، بلکه مشکل قابلی دارد؛ یعنی هنوز جامعه قابلیت پذیرش امام را ندارد. رسالت ما این است که این قابلیت‌ها و زمینه‌ها را ایجاد کنیم. مقتضی از جانب خداوند، موجود است؛ زیرا خداوند امامش را خلق کرده و پرورش داده و در دسترس ما قرار داده است. [مقتضی] از جانب امام زمان 4 هم هست؛ زیرا امام، موجود است و خودش نیز برای فرا رسیدن فرجش دعا می‌کند. پس مانع، ما هستیم. به تعبیر خواجه نصیر طوسی، «عدمه ما». این عدم حضور امام و غیبت او از ماست.

چون نیک نظر کرد، پر خویش در آن دید  
گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست  
حکایت ظهور، از یک جهت [و نه همه جهات] هم چون حکایت  
دیدار سی مرغ با سیمرغ است که عطار نیشابوری در *منطق‌الطیر*

به آن اشاره کرده است: سیمرغ همواره حضور داشت، ولی اراده و همت سی مرغ بود که غایب بود و باید حضور می‌یافت.

بشنوید ای دوستان این داستان  
خود حقیقت، نقد حال ماست آن

مرغان همگی به جوش و خروش آمدند و عزم جزم کردند، ولی چون راه درازی در پیش بود، خیلی از مرغان در راه از پا افتادند.

بس که خشکی بس که دریا در ره است  
تا نپنداری که راهی کوتاه است  
مرد می باید تمام این راه را  
جان فشاند باید این درگاه را

و فقط سی مرغ به قلّه قاف رسیدند.

چون نگه کردند این سی مرغ، زود  
بی‌شک، این سی مرغ آن سیمرغ بود  
خویش را دیدند سیمرغ تمام  
بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام  
محو او گشتند آخر بی‌دوام  
سایه در خورشید گم شد، والسلام<sup>۱۴</sup>

وقتی به قلّه رسیدند، دیدند آن‌چه آنها را به قلّه رسانده است، اراده آنهاست و خود اینها باید زمینه آن را فراهم می‌کردند. پادشاه ما بر قلّه کوه، منتظر رسیدن ماست. این نفس آلوده ماست که مانع حضور اوست. این ماییم که باید محیط را برای حضور خورشید آماده کنیم. این ماییم که باید ظهور کنیم. به قول استاد مرحوم ما:

حضور تو پیدا است

من غائبم

آیا امید ظهوری هست؟<sup>۱۵</sup>

امام نیز بی‌صبرانه منتظر ظهور دولت کریمه خود است.

بایستی این راه را رفت، ساخت و ایجاد کرد؛ که ما اگر این کار را انجام ندهیم، البته ظلم مملو خودش زمینه‌ساز نور خواهد شد و [تنها] این ما هستیم که محروم می‌شویم. ما بایستی زمینه‌ها را فراهم کنیم. این فرموده خداست که (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) که از غر آیات الهی است. تا زمانی که ما تحولی نداشته باشیم و زمینه‌ها را فراهم نکنیم، در بیرون، چیزی رخ نمی‌دهد. این مسئله شرطی است. (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ). یعنی کسانی که امداد الهی را می‌خواهند، باید از توان‌مندی‌های خودشان استفاده کنند. مگر انقلابی، بزرگ‌تر از انقلاب امام زمان 4 سراغ داریم؟ اگر ما

معرفت و محبت به امام زمان را که در رفتار ما جلوه می‌کند، ببینند. باید بگویند فلان شخص بقال، بازاری و یا معلم دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های یک فرد منتظر است. اینها در مورد فرد منتظر است.

بحث دیگری که در این فرصت و از این تریبون مقدس می‌خواهم عرض کنم، وظایف یک دولت زمینه‌ساز است. مردم الحمدلله وظایف‌شان را انجام می‌دهند. باید دولت‌ها نیز وظیفه‌شان را درست انجام دهند. یک دولت زمینه‌ساز دارای ویژگی‌ها و شاخص‌های متعددی است. بنده در این جا به دو تایی از آنها اشاره می‌کنم. یکی، به لحاظ گزینش افرادی است که می‌خواهند با آن دولت کار کنند. به لحاظ این که ایام تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری را پشت سر گذاشتیم و باید وزرا به مجلس معرفی شوند، بنده شاخص‌های یک کارگزار مهدی‌پسند و کارگزاری را که می‌خواهد زمینه‌ساز ظهور حضرت باشد، تا بیست و هفت شاخص برشمرده‌ام که فرصت بیان همه آنها این جا نیست.<sup>۱۹</sup> یکی از آنها را عرض می‌کنم و بعد به برخی از مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی و اجتماعی دولت زمینه‌ساز اشاره خواهم داشت.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارگزاران یک نظام مهدوی و دولت زمینه‌ساز، «ولایت‌مداری» است. روایات متعددی داریم، از جمله این روایت از امام صادق 7 که می‌فرمایند: کارگزاران نظام مهدوی کسانی هستند که «هم اطوع له من الأمة لسیدها». یعنی چه‌طور یک کنیز به مولای خود خدمت می‌کند. اطاعت‌پذیری این افراد نسبت به امام بیش از آن کنیز نسبت به مولای خود است و باید هم‌چنین باشد؛ زیرا امام معصوم، امامی که از همه راه‌ها آگاه و از همه هوس‌ها و کشش‌های نفسانی آزاد است، کجا و مولای عادی کجا؟ «مجدون فی طاعته»؛ یعنی تمام تلاش آنها در راه اطاعت از امام زمان 4 است. «بهم ینصر الله امام الحق»؛ یعنی خداوند با این افراد، امام را یاری می‌کند. این افراد باید کسانی باشند که به شهادت فرازی از زیارت حضرت صاحب الامر 4 که در انتهای مفاتیح هم هست، مشی و فکر و تلاش‌شان باید این‌گونه باشد: «فابذل نفسی و مالی و ولدی و اهلی و جمیع ما خولتني ربی بین یدیک و التصرف بین امرک و نهیک»؛<sup>۲۰</sup> یعنی خودم، جانم، فرزندم و خانواده‌ام و هر چیزی که به من دادی، اعتبار، آبرو، قلم و هر چه که دادی، به پای تو می‌ریزم؛ چون می‌دانم «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».<sup>۲۱</sup> چون می‌دانم به فرموده امام باقر 7 در کتاب شریف کافی که از حضرتش سؤال شد: «میتة جاهلی» یعنی چه و حضرت در جواب فرمودند: «میتة کفر و

بخواهیم این تحول در بیرون صورت بگیرد، باید ببینیم که ما چه کردیم؟ بایستی ما کار کنیم و شرایط ظهور را فراهم کنیم. به تعبیر زیبایی قرآن، نگاهتان به دست خودتان باشد (مَا قَدَّمْتُ يَدَاكَ).<sup>۱۶</sup> پس زمینه‌سازی، رسالت ماست. در عصر غیبت جوامع و دولت‌های شیعی یک رسالت بیشتر ندارند. آن هم زمینه‌سازی برای ظهور است؛ چون تمام خوبی‌ها در عصر امام است. «الخير كله في ذلك الزمان».<sup>۱۷</sup> همه خوبی‌ها در عصر حضرت است و همه مشکلات در جامعه جهانی به خاطر نبود حضرت است و ما مکلفیم زمینه‌های ظهور امامی را فراهم کنیم که «عدمه متا»؛ غیبتش از ماست و ما کوتاهی کرده‌ایم و نتوانستیم از او حمایت کنیم که غایب شد.

در این جا، یک رسالت بر عهده مردم است و یک رسالت هم متوجه دولت اسلامی است. مهم‌ترین وظیفه توده مردم، معرفت و اطاعت از حضرت است. بایستی معرفت و محبت به حضرت در فکر و دل ما بنشیند و در رفتار ما تجلی کند و زندگی ما رنگ امام زمان 4 به خود بگیرد. سال‌ها پیش، به همراه یکی از اساتیدمان - رضوان الله علیه -، به منزل یکی از بازاری‌ها دعوت شدیم. به محض ورود، از در حیاط دیدیم آن شخص از در دیگری رفت. متوجه شدیم این فرد مشغول جمع کردن قالیچه‌ای است که روی فرش انداخته‌اند. هنگام خداحافظی، استاد ما به این مرد آهسته گفت که خانه‌ات را طوری قرار بده که اگر بنا شد روزی امام زمان 4 وارد خانه‌ات شود، او را معطل نکنی و شرمنده نشوی. این قالیچه‌ای را که عکس زن و مردی داشت که در آن، در حال نواختن تار و نوشیدن می بودند، به چه دلیلی روی فرش انداخته‌ای؟ اصلاً قالیچه روی فرش چه معنایی دارد؟ باید زندگی ما زندگی امام زمان پسند باشد. چه قدر این روایت زیباست که می‌فرماید:

من سره أن یكون من أصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر.<sup>۱۸</sup>

منتظر بودن، شاخص دارد. یک منتظر واقعی باید دو شاخص مهم داشته باشد. «فلیعمل بالورع». ورع یعنی «كف النفس عن المحرمات». از گناه دوری کند. این مسئله حالت سلبی دارد. از آن طرف، ویژگی‌های اثباتی را هم باید دارا باشد. «و محاسن الاخلاق»؛ باید آراسته به زیبایی‌ها و سجایای اخلاقی هم باشد. بایستی در رفتار و اخلاق مان به‌گونه‌ای باشیم که بدانند که ما منتظریم، ما اهل مسجد جمکرانیم، ما اهل دعا برای ظهور حضرتیم. باید تجلی

نفاق و ظلال». یعنی کافر و گمراه و منافق، مرده است. چون می‌دانم مهدویت، رمز هویت ماست و همه چیز ماست. پس «هم اطوع له من الامه لسیدها». باید این اطاعت‌پذیری از امام زمان 4 در رفتار و سوابقش کاملاً مشخص باشد. اطاعت‌پذیری او از ولی فقیه و ولی امر مسلمین نیز [مشخص باشد]. چون بر اساس مبانی ولایت فقیه و نظر امام راحل و برخی از فقهای معاصر که حق هم همین است، شأنی که امام معصوم در فضای مجتمع دارد، ولی فقیه هم دارد. البته نه هر شأنی که امام معصوم به لحاظ فردی دارد، ولی فقیه هم دارد. امام دارای مقام عصمت است ولی ولی فقیه معصوم نیست، بر امام معصوم، ملائکه در شب‌های قدر نازل می‌شوند، اما بر ولی فقیه نازل نمی‌شوند. محل گفت‌وگوی ما این‌گونه مقام‌ها و شئون شخصی نیست. محل گفت‌وگو این است که در فضای جامعه و اداره مجتمع، هر شأنی که امام معصوم دارد، ولی فقیه هم دارد. بنابر این، اگر ولی فقیه برای اداره جامعه دستوری بدهد و یا حکمی بکند، باید «اطوع له من الامه لسیدها» باشیم و این را در زندگی‌اش نشان داده باشد. این اعتقاد ماست که (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)<sup>۳۲</sup> فرمان رسول و امام در جامعه دینی (بالمؤمنین) مطاع است.

(إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي)<sup>۳۳</sup> اگر تجلی محبت خدا در اطاعت از رسول است، تجلی محبت امام زمان 4 نیز در اطاعت از ولی فقیه است. این اساس اعتقاد ماست. ولایت‌مداری یک شعار صرف نیست. باید با آن زندگی کرد. اساس این مکتب است. دست‌آوردهای بی‌ظنیر آن را در انقلاب اسلامی و در این ۳۰ سال دیدیم و دیدید که در همین حوادث تأسفاتر اخیر و کودتای مخملی، اگر نبود مقام عظمای ولایت، با نقشه‌هایی که دشمنان ما می‌کشیدند، راه به کجا می‌بردیم. در هشت سال دفاع مقدس اسلام در مقابل جهان کفر، دیدیم و دیدید. در همین حوادث اخیر این را دیدیم و دیدید. نگویید این روایات در مورد تبعیت از امام معصوم است. سخن این است: (إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي). تجلی محبت خدا در اطاعت رسول است. اگر می‌گویید امام زمان 4 را دوست دارم، تجلی‌اش در اطاعت از ولی فقیه است. این، اساس نظریه ولایت فقیه است. یک شاخص بسیار زیبایی است برای نقد معتقدان به ولایت فقیه. خدا نکند روزی بیاید که شاهد باشیم ولی فقیه و ولی امر مسلمین، خواسته‌ای داشته باشد یا امری بکند و خدای ناکرده زمین بماند. حاشا و کلاً که چنین چیزی هرگز در ایران اسلامی اتفاق بیافتد و ان شاءالله هرگز نخواهد افتاد. اگر در جریانات اخیر از

جانب برخی‌ها نسبت به نامه مقام معظم رهبری ولو سهواً کوتاهی شده، باید بلافاصله جبران شود. رابطه امام و مأموم، بیش از رابطه پدر و فرزند است. این رابطه، رابطه مولی و مولی‌علیه است. وقتی ولی، حکمی بکند، تمام است. «هم أطوع له من الامه لسیدها». این، اساس مکتب ماست. هرگز در مخیله‌مان نمی‌گنجید که داعیه‌داران ولایت‌مداری و اصول‌گرایی، درخواست صریح ولی امر را با تأخیر انجام دهند. این کار از هیچ‌کس در هر سمتی که باشد، پذیرفته نیست. و خدا نیاورد آن روزی که شاهد تکرار چنین موردی باشیم. در هر حال بگذارم و بگذرم. البته «والعذر عند کرام الناس مقبول».

همان‌طور که اشاره شد کارگزاران در دولت زمینه‌ساز شاخص‌های متعددی دارند. از جمله زندگی سلمان‌گونه، مالک‌وار و مقدارگونه. این‌گونه افراد باید کارگزاران نظام ما باشند و ان شاءالله شاهد باشیم که چنین افرادی که مهم‌ترین شاخص آنها ولایت‌پذیری است، به مجلس معرفی شوند و بر سر کار بیایند. در شاخص‌های دیگر شاید بتوان کمی اغماض داشت. البته آن هم شاید؛ اما در شاخص ولایت‌مداری جای هیچ‌گونه اغماض و تساهل و تسامح نیست. اساس مهدویت، اساس نظامی که بر پایه ولایت فقیه است، همین است و همین هم اساس پیروزی و حیات این جامعه بوده است و خواهد بود، ان شاءالله.

اما اجازه بدهید در رابطه با برخی راه‌بردها و وظایف فرهنگی و اجتماعی دولت زمینه‌ساز هم مطالبی را به اختصار عرض کنم. ما بر اساس فرازهایی از دعای افتتاح که از جانب امام زمان 4 است، «إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا» معتقدیم باید شاخص‌های کلان فرهنگی یک دولت این باشد که نبود امام و مشکلاتی را که از نبود امام است، برای مردم چه در داخل و چه در گستره جهانی توضیح بدهد. ما از نبود امام شکایت داریم و ناراحتیم. این [وضعیت] را باید تبیین و تحلیل کنند. در حقیقت، باید نشان بدهیم که زمین، نیازمند آسمان است. همان چیزی که باعث شد هانری کربن به مذهب شیعه گرایش پیدا کند و به ایران بیاید و در محضر علامه طباطبایی زانو بزند و تلمذ کند. او چون نگاه عرفانی داشت و قائل به انسان کامل بود، گفت: رفتیم سراغ یهودی‌ها و گفتیم انسان کامل و رابط بین زمین و آسمان کیست؟ گفتند حضرت موسی 7 و با مرگش این ارتباط قطع شد. رفتیم نزد مسیحی‌ها، گفتند با به صلیب کشیدن مسیح 7 این ارتباط قطع شد. رفتیم

غول یعنی غرب را شکست. باید دست فریب و تا مرفق به خون آلوده آنها را رو کرد. باید نشان داد که مهدویت، نه یک راه که تنها راه است، «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غير هلك»؛<sup>۲۴</sup> سلام بر تنها راه. در این جا رسالت صدا و سیما خیلی سنگین است. رسالت صدا و سیما در موضوع مهدویت تنها پخش چند سخن رانی نیست. زبان این کار بیشتر زبان تصویر است. باید بهترین و بیشترین بودجه و زبده ترین افراد در رابطه با امام زمان 4، فیلم های جدی بسازند. مستندات بسیار خوبی می شود ساخت. ما نواب اربعه را داریم. حوادثی داریم که در آن جا عنایت امام کاملاً مشهود و مسلم است، نه خواب ها و ملاقات های بی اساس و وهمی که ما به شدت با آنها مخالفیم. باید این کارها را انجام دهیم.

یکی دیگر از راه بردهای اساسی فرهنگی و اجتماعی دولت زمینه ساز این است که زمینه همدلی شیعیان را در داخل و خارج فراهم کند. «لو ان اشياعنا وفقهم الله لطاعته على اجتمع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا»؛ اگر شیعیان ما در وفای به عهدی که با ما داشتند، یک دل و یک رنگ بودند و اتفاق داشتند، ظهور ما عقب نمی افتاد و ما ظاهر می گشتیم. گرچه حاضریم، ظاهر هم می شدیم. این عهد، عهدی است که ما در حمایت از ولی امر و امام زمان 4 داریم. وحدت و همدلی شیعیان یک اصل است و اگر احیاناً در حوادث انتخابات اخیر، رخنه ای در بین بعضی از افراد و گروه های جامعه ایجاد شد، باید در جهت جبرانش کوشش جدی شود. همان گونه که مقام معظم رهبری - دامت برکاته - این کار را انجام دادند. صف متشکل واحد، همراهی و وحدت باید در میان تمام شیعیان حاکم باشد. وفای به عهد، عهد امامت و حمایت از ولی است. او را و نایبش را بشناسیم و از دستورها و فرامین آنها تبعیت کنیم و هر چه داریم، به پای آنها بریزیم. بر اساس آن تویق، ایجاد وحدت و همدلی در میان شیعیان از راه بردهای اساسی یک دولت زمینه ساز است.

یکی دیگر از راه بردهای اساسی دولت زمینه ساز، پرورش افرادی توانمند و نیروهای کلیدی است که به فرموده امام صادق 7: «لو كملت العدة الموصوفة ثلاث مئة و بضعة عشر كان الذي تريدون»؛<sup>۲۵</sup> یعنی اگر آن ۳۱۳ نفری که توصیف شده تکمیل می شد، آن چه می خواهید، واقع شده بود و در روایتی دیگر از حضرت جواد 7، علاوه بر آن ۳۱۳ نفر نیز از حلقه ای که تعداد آنها ده هزار نفر است، یاد شده است.<sup>۲۶</sup> در هر حال باید فضایی فراهم شود که بتوان

سراغ مسلمان ها، گفتند که این ارتباط با رحلت پیامبر 6 قطع شد. بعد دیدم یک فرقه از مسلمانان به نام شیعه اثنی عشری هست که می گوید واسطه فیض بین زمین و آسمان وجود دارد که امام زمان 4 است. بعد آمد ایران و در محضر علامه طباطبایی تلمذ کرد. اینها را باید تبیین کنیم. متأسفانه ما شکایتی نداریم و راضی به وضع موجودیم؛ زیرا هنوز مصیبت های فقدان امام برای خیلی ها تبیین نشده است. در حالی که در آن دعا آمده است که «الهی عظم البلاء». واقعاً نبود امام برای ما بلایی عظیم است؟ می گوئیم: «الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انكشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت الأرض و منعت السماء و أنت المستعان و إليك المشتكى». هنوز دنیا با غیبت امام برای ما شکایت آور نیست؛ تا ظهورش را بخواهیم. هنوز از عصر ظهور که عصر همه زیبایی هاست و از امام زیبایی ها و اهدافش هیچ شناختی نداریم. بگذارید این حکایت تلخ را هم بگویم در یک دبیرستان دخترانه، دو تا سؤال مطرح می شود که آیا می خواهید امامتان بیاید، یا نه؟ چرا؟ تعدادی از آنها در جواب سؤال اول می گویند، نه، نمی خواهیم بیاید. در پاسخ سؤال دوم و چرایی آن می گویند: چون شنیده ایم که وقتی امام بیاید، آن قدر می کشد که تا زانوی اسبش در خون فرو می رود. پس حتماً ما و پدر و مادر و دوستان ما را هم خواهد کشت. وقتی ما نتوانسته ایم برای بچه های خودمان، این امام زیبایی ها را که تجلی اسمای حسناى الهی است و تجلی رحمت واسعه الهی است، تبیین کنیم. چه طور انتظار داریم در گستره جهانی، گرایش به حضرت پیدا بشود که از زمینه های مهم ظهور است. وقتی نتوانستیم بی اساس بودن بسیاری از این روایت ها از جمله همین روایتی را که می گوید تا زانوی اسب حضرت در خون فرو می رود، معلوم کنیم، چه طور توقع داریم جوانان ما به حضرت و دولت کریمه اش رغبت و اشتیاق داشته باشند (إنا نرغب إليك في دولة کریمه تعز به الإسلام و أهله و تذلل بها التفاق و أهله).

از دیگر راه بردهای فرهنگی دولت زمینه ساز، همین ایجاد رغبت و اشتیاق به دولت کریمه حضرت است، «نرغب اليك في دولة کریمه تعز به الإسلام و أهله» است. دولت باید در مورد ظهور حضرت و دولت کرامت مدارش که بر اساس کرامت انسانی است، ایجاد رغبت، شوق و اشتیاق کند. باید کاری کند که همه، آن دولت و حاکم و حاکمیتش را بخواهند. زیبایی آن دولت را باید تبیین کنیم. باید شاخ

این گونه افراد را در جهان کشف و جذب کرد و آنها را پرورش داد. اینها پایه‌های اساسی نظام مهدوی و زمینه‌ساز ظهور هستند.

آخرین راه‌برد این که باید گفتمان غالب جامعه ما «گفتمان عدالت» بشود. بنا به روایتی که از حُمران بن اعین نقل شده است که روایت صحیح‌های هم است، در جلد هشتم *کافی* در کتاب روضه چنین آمده است: وقتی حمران از حضرت صادق 7 می‌پرسد که زمان ظهور کی فرا می‌رسد تا آن را به ما بگوئید تا خوشحال بشویم، حضرت در ضمن حکایت بسیار درس آموزی بیانی دارند که مضمونش این است که در زمانه گرگ، ظهوری نیست. در زمانه قوچ، زمانه‌ای که انسان‌ها اراده‌های شان سست است و قصد کاری می‌کنند، اما عمل نمی‌کنند، نیز از ظهور، خبری نیست. اما اگر زمانه، زمانه میزان و عدالت باشد، ظهور محقق خواهد شد. باید به فرموده مقام معظم رهبری، دهه چهارم انقلاب را که «دهه پیش‌رفت و عدالت» است، عدالت را تبیین کنیم که بر اساس این روایت، از کلیدهای اصلی و راه‌بردهای اساسی دولت زمینه‌ساز است.

امیدواریم که ان شاء الله در سال‌های آینده، در نیمه شعبان شاهد این باشیم که مسئولان ارشد نظام به ویژه وزرای محترم، راه‌بردها و راه‌کارهایی که در جهت زمینه‌سازی ظهور دارند، از تربیون‌های عمومی با مردم در میان بگذارند و گزارش دهند که در جهت زمینه‌سازی چه اقداماتی انجام داده‌اند. امیدواریم که صدا و سیمای ما هم یک سرمایه‌گذاری جدی برای ساختن فیلم‌های خوب و مناسب برای ایجاد رغبت اجتماعی شیعیان و بلکه همه انسان‌ها برای زمینه‌سازی ظهور داشته باشد تا همه ما شاهد ظهور موفور السرور آن بزرگوار باشیم. ان شاء الله در سال آینده شاهد این باشیم که ریاست محترم صدا و سیما و مسئولان شبکه‌های مختلف، آن چه را در جهت رسالت و زمینه‌سازی ظهور بر عهده دارند، به عنوان کارنامه یک ساله خود، از رسانه ملی به سمع و نظر ملت شریف ایران برسانند. تلاش در جهت زمینه‌سازی ظهور یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نقد نهادها و انتخاب مسئولان فرهنگی کشور است. فراموش نکنیم که رسالت شیعه در عصر غیبت، زمینه‌سازی برای ظهور است.

خدایا ما را در جهت رسالت زمینه‌سازی ظهور تأیید بفرما. فرج مولایمان را فرا برسان. نایبش، مقام معظم رهبری را از همه

بلاها محفوظ بدار؛ توفیقاتش را افزون بفرما. به ملت بزرگ ایران که در انتخابات، حماسه آفریدند، خیرات و برکات را نازل بفرما. نقشه‌های دشمنان این کشور را که شیعه‌خانه امام زمان 4 است، نقش بر آب بفرما. خائنان به این ملت را رسوا بفرما. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱ . سورة رعد، آیه ۱۱.
- ۲ . سورة اعراف، آیه ۹۶.
- ۳ . سورة محمد، آیه ۷.
- ۴ . سورة نساء، آیه ۷۵.
- ۵ . کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۴ ح ۳.
- ۶ . الکافی، ج ۶، ص ۵۳۵.
- ۷ . کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۵.
- ۸ . الغیبة (نعمانی)، ص ۳۲، ح ۱۰.
- ۹ . صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.
- ۱۰ . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸.
- ۱۱ . در ادبیات روایی، مقصود از مشرق، ایران است. برای اطلاع از دلایل آن نک: سید اسدالله هاشمی شهیدی، *زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی 4* ص ۱۵۳-۱۶۹.
- ۱۲ . نک: *التحقیق فی کلمات القرآن*.
- ۱۳ . سورة اسراء، آیه ۸۱.
- ۱۴ . نک: علی‌رضا نودهی، *نظریه اختیاری بودن ظهور*، ص ۲۶ و ۲۷.
- ۱۵ . علی صفایی حائری (عین - صاد)، *مجموعه اشعار*، ص ۱۹۰.
- ۱۶ . سورة حج، آیه ۱۰.
- ۱۷ . نک: *نظریه اختیاری بودن ظهور*، ص ۲۶ و ۲۷.
- ۱۸ . الغیبة (نعمانی)، ص ۲۰۰.
- ۱۹ . نک: سیدمسعود پورسیدآقایی، *با جاری انتظار*، ص ۲۱۵-۲۳۳ (دولت زمینه‌ساز).
- ۲۰ . *مفاتیح الجنان*، زیارت حضرت صاحب الامر 4.
- ۲۱ . حدیث متواتر بین شیعه و اهل سنت، نک: آیت‌الله فقیه ایمانی، *نجات از مرگ جاهلی*.
- ۲۲ . سورة احزاب، آیه ۶.
- ۲۳ . سورة آل عمران، آیه ۳۱.
- ۲۴ . *مفاتیح الجنان*، زیارت حضرت صاحب الامر 4.
- ۲۵ . الغیبة (نعمانی)، ص ۲۱۰، ۱۲، ح ۴: *معجم احادیث الامام المهدی 4* ج ۵، ص ۲۵۳.
- ۲۶ . کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۷، ب ۳۶، ح ۲.